

نسیخه

دوفصلنامه علمی ترویجی فلسفه اسلامی
سال هشتم / شماره دوم / پیاپی ۱۵ / پاییز - زمستان ۱۴۰۱

سرمقاله

گروهی بر این باورند که اگر مه‌بانگ (BIGBANG) به اثبات رسد، آموزه آفرینشی که ادیان الهی تصویر می‌کنند، ابطال خواهد شد. اما مه‌بانگ و نظریات همانند، تنها تفسیرهای خاصی از آموزه آفرینش را نمی‌کنند که بر دوگانگی آفریننده و آفریده تاکید دارند. در این تفاسیر آفریننده امری بیرون از آفرینش است که از بیرون، آفریده‌هایش را مدیریت می‌کند. مدیریتی در عالم مجردات که با فرایندی ناشناخته (اگر نگوئیم ناممکن)، در عالم مادی اثر می‌گذارد.

در این تفسیر، همه پدیده‌های مادی و دگرگونی‌های آنها، تحت تأثیر این مدیریت تجردی هستند. و این مدیریت تجردی، دست‌کم در ساحت‌های ژرف و بنیادین جهان، که توجیه علمی ندارند، به‌گونه‌ای اسرارآمیز و بدون بهره‌مندی از فرایندهای مادی، پدیده‌های مادی را ربوبیت می‌کند. در نتیجه اگر ثابت شود که جهان به‌گونه طبیعی، علمی و بدون مدیریت اسرارآمیز یادشده، سامان یافته است، دیگر نیازی به مدیریت یادشده و حتی جایی برای آن نیست. از این‌رو مه‌بانگ، فرگشت و... رقیب‌هایی سرسخت برای این تفسیر از آفرینش هستند که اگر اثبات شوند، آنرا را نفی می‌کنند.

اما تفسیرهای موشکافانه‌تری از آموزه آفرینش در میان است که آفریده را تجلی و تشأن آفریننده می‌داند. در این تفسیرها، آگاهی آفریننده، با حضور در متن آفریده، آنرا از درون و برپایه ساختاری از جنس خودش، مدیریت می‌کند. بل به زبان گویاتر، آفریده، چیزی جز تراکم، تمثیل و تجسم آن آگاهی نیست. بنابراین اگر مه‌بانگ و نظریات همانند، با روش‌های علمی مورد اطمینان اثبات گردند، نه تنها آموزه آفرینش را نفی نمی‌کند، بل آنرا با دقت بیش‌تری، تبیین می‌کند. این مهم روشن می‌کند که علم حقیقی هرگز نافی وحی، نخواهد بود، بل آنرا تایید و تاکید خواهد نمود.

روح‌الله سوری